

تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۱۱/۱
تاریخ پذیرش نهایی: ۸۷/۴/۳

دکتر فریبا قرائی^۱

مقایسه دیدگاه طراحان محیط و عامه مردم در مورد هویت شهری و نحوه تقویت آن (مطالعه موردی: منطقه شمیران، شمال تهران)

چکیده

محیط‌های امروز شهری را برنامه‌ریزان، طراحان شهری و معماران طراحی کرده و می‌سازند و گروه‌های مختلف جامعه، بدون هیچ‌گونه سهمی در تصمیمات طراحانه، ناچار به استفاده از این فضاها هستند. اینکه فضاهای امروز شهرهای ما تا چه حد برای استفاده‌کنندگان آن مطلوب است و ادراک مردم از چنین فضاهایی چگونه است، می‌تواند طراحان محیط را یاری دهد که به خلق فضاهای مناسب‌تری اقدام نمایند. بسیاری از مطالعات انجام گرفته در زمینه روانشناسی محیط، حاکی از تفاوت‌های معنادار میان گروه طراحان محیط و سایر گروه‌های اجتماعی از جهت ارزیابی‌شان در مورد بعضی از خصوصیات محیطی می‌باشد. با عنایت به اینکه اکثر مطالعات مذکور در کشورهای دیگر صورت گرفته است، نمی‌توان آن را به کشور ما تعمیم داد و تحقیقات در این زمینه لازم و مفید به نظر می‌رسد. مطالعه حاضر به مقایسه نظرات گروه طراحان محیط و سایر مردم می‌پردازد و موضوع مورد بحث آن دیدگاه این دو گروه در مورد هویت شهری و عناصر اصلی هویت‌بخش آن می‌باشد. این مطالعه در منطقه شمیران در شمال تهران انجام گرفته است. نظرات مردم از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده است و دیدگاه متخصصان نیز به صورت مصاحبه بر مبنای سؤالات مشخص مورد پرسش قرار گرفته است. نتایج تحقیق حاضر، برخلاف نتایج اکثر پژوهش‌های انجام شده در کشورهای غربی، حاکی از وجود اتفاق نظر نسبی و شباهت میان نظرات دو گروه مورد بررسی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: هویت شهری، دیدگاه مردم، دیدگاه متخصصان، روانشناسی محیط

۱. استادیار دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر، شهر تهران، استان تهران Email: F_gharai@hotmail.com

مقدمه

در دهه‌های اخیر مطالعات فراوانی در علم روانشناسی محیط انجام گرفته است که ضمن آن تفاوت طراحان، و یا به عبارتی افرادی که آموزش طراحی دیده‌اند، با سایر افراد جامعه در زمینه ارزیابی محیط کالبدی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. بسیاری از مطالعات فوق بر وجود تفاوت بین گروه طراحان (شامل طراحان شهری، معماران، معماران منظر، برنامه‌ریزان و طراحان صنعتی) و سایر گروه‌های جامعه دلالت دارد.

از آنجایی که معماران و شهرسازان نقش اصلی و عمده طراحی محیط کالبدی را به عهده دارند، و از طرفی این محیط مورد استفاده کلیه افراد جامعه قرار می‌گیرد و تأثیرات روانی قابل توجهی بر عموم مردم دارد؛ لذا شناخت نحوه ادراک و ارزیابی و ارزشگذاری این گروه از جامعه نسبت به عوامل و عناصر محیطی اهمیت زیادی خواهد داشت. مقایسه نظرات و شیوه ادراک محیطی مردم با طراحان نیز بسیار با ارزش است. آشنایی هر چه بیشتر گروه طراحان و سازندگان محیط با نظرات، خواسته‌ها و ترجیحات مردم به‌عنوان استفاده‌کنندگان اصلی فضاهای شهری می‌تواند آنان را در خلق محیط‌های کالبدی بهتر و کارآتر یاری دهد.

مطالعاتی که در رابطه با شناخت شیوه ادراک و ارزیابی محیط صورت گرفته و عمدتاً سعی داشته تا به مقایسه گروه‌های طراحی محیط و مردم عادی بپردازد، یکی از دو قالب کلی زیر را دنبال نموده است: بعضی سعی در شناخت ترجیحات محیطی مردم و نحوه ارزیابی آنان از فضاهای موجود (به‌خصوص از جهت عملکردی) داشته‌اند. این گروه غالباً به مطالعه فضاهای معماری و یا شهری پس از پایان ساخت و ساز آن و پرسش از ساکنان و استفاده‌کنندگان فضاها و شناسایی میزان رضایت مردم پرداخته‌اند و مقاصد اولیه طراحان را با میزان رضایت مردم مقایسه نموده‌اند. گروه دیگر بیشتر به نحوه ادراک محیط توجه نموده‌اند و از جمله بررسی معانی محیطی را مد نظر داشته‌اند؛ شیوه کار این گروه به دلیل مشابهت بیشتر با اهداف تحقیق حاضر مورد استفاده قرار گرفته است. در این پژوهش‌ها سؤالاتی نظیر اینک: «آیا یک محیط ثابت از نظر مردم و طراحان محیطی معانی مشابهی را در ذهن ایجاد می‌نماید؟» و یا «سبک‌های معماری متفاوت تا چه حد برای مردم قابل تشخیص است؟» دنبال شده است.

تعریف معنای محیط

اخيراً مطالعات فراوان و بحث‌های چندی در زمینه معنای محیط صورت گرفته است که ضمن آن توانایی طراحان محیطی در انتقال معانی از طریق محیط کالبدی به صورت قابل ادراک برای مردم، مورد پرسش قرار گرفته است. چنانچه بخواهیم معنا را بیان نماییم گفته گروت (۱۹۸۲) قابل توجه است که: معنا، تصویر ذهنی و درونی انسان از محیط کالبدی است به شکلی که شامل جنبه‌های ادراکی، شناختی و احساسی می‌گردد. برودبنت (۱۹۷۷) معتقد است که تمام ساختمان‌ها، خوب یا بد، معنایی را منتقل می‌نمایند و به شکل نمادی از مفاهیم درونی خود برای ناظران بشمار می‌آیند. جنکز (۱۹۶۹) عقیده دارد که همزمان با خلق یک فرم کالبدی معنی آن نیز همراه با آن شکل می‌گیرد و این معنای است که محیط و انسانها را با هم مرتبط می‌نماید.

مردم در یک فضا، در خصوص نوع فضا و معنای ادراک‌شده از آن عکس‌العمل نشان می‌دهند. به گفته راپپورت (۱۹۸۲) اگرچه موقعیت اجتماعی افراد در شیوه برخورد و رفتار آنان بسیار مؤثر است ولیکن نشانه‌های محیطی، معانی لازم جهت تنظیم رفتارها را منتقل می‌نماید. محیط به نوعی

ارتباط غیرکلامی با ناظران برقرار می‌سازد و افراد باید قادر به خواندن نشانه‌های محیطی باشند. محیطی قابل معنا شدن است که با اندوخته‌های ذهنی افراد هماهنگی داشته باشد. نقش طراح محیط، به‌عنوان کسی که رموز و علائم را در محیط ایجاد می‌کند، دارای اهمیت است زیرا باید علایمی را مورد استفاده قرار دهد که برای مردم و استفاده‌کنندگان به راحتی قابل رمزگشایی و ادراک باشد.

در اینجا سؤالی مطرح می‌شود که: «آیا تمام افراد معانی یکسانی را از محیط ادراک می‌نمایند؟» و «چه عواملی می‌تواند در ادراک معانی محیطی مؤثر باشد؟». در این زمینه مطالعات چندی انجام شده است و از جمله مواردی که در درک معانی محیطی مؤثر شناخته می‌شود: گذشته، فرهنگ و تجربیات شخصی افراد است.

بنارتز (۱۹۸۹) عقیده دارد که معانی محیطی از طریق رموز و نشانه‌ها و نمادها قابل دریافت است و بنابراین فرهنگ و آموزش می‌تواند در ادراک معانی محیطی تأثیر زیادی داشته باشد. کنتز (۱۹۹۱) به نقش اجتماعی افراد اشاره دارد و بر اهمیت آن در ادراک محیط تأکید می‌نماید.

مقایسه نظرات طراحان محیط و سایر گروه‌های اجتماعی در ارزیابی محیطی

تحقیقات بسیاری در زمینه معانی محیطی عمدتاً در کشورهای غربی صورت گرفته است که حاکی از ارزیابی یکسان گروه‌های شغلی مشابه می‌باشد. در این راستا بیشترین تفاوت بین تولیدکنندگان، طراحان و سازندگان محیط از یکسو و استفاده‌کنندگان فضاها از سوی دیگر مشاهده شده است. به عبارت دیگر بیشترین تفاوت میان طراحان محیط و کسانی یافت شده که آموزش طراحی ندیده‌اند.

از جمله والادز (۱۹۸۴) طی مقایسه یک گروه معمار با گروه‌های شغلی روانشناس، متخصص تغذیه و فعالان امور اداری از آنان خواست که به ارزیابی فضاهای باز و حیاط‌های چند واحد مسکونی اقدام نمایند؛ نتیجه این کار در عین بیان پاره‌ای شباهتها، حاکی از تفاوت بین معماران و سایر گروه‌ها بود. ضمن تحقیق دیگری که گروت (۱۹۸۲) به انجام رساند یک گروه معمار با حسابداران مورد مقایسه قرار گرفت. هدف اصلی این تحقیق، شناسایی وجود یا فقدان معانی متفاوتی بود که سبک‌های مدرن و فرامدرن می‌تواند در ذهن بیننده ایجاد نماید. نتایج این تحقیق نیز حاکی از تفاوت ادراک دو گروه طراح و غیرطراح بود.

در مطالعاتی که هوارد (۱۹۹۲) انجام داد نیز نتایجی مشابه حاصل شد: ۷۰٪ برنامه‌ریزان در ارزیابی جنبه‌های کالبدی محیط به جزئیات ساختمانی نظیر مصالح و زمینه و مشخصات جزئی و کلی بنا توجه نشان دادند درحالی‌که ۴۵٪ مردم به جنبه‌های اجتماعی، انسانی محیط از قبیل احساسات و ترجیحات محیطی و نحوه استفاده از فضا علاقه‌مند بودند. اسپ (۱۹۸۱) در مقایسه معماران با غیرمعماران از گروه‌های دانشجویی استفاده نموده است. او سعی دارد تأثیرات ملیت را بر ارزیابی محیط و در کنار اثرات حرفه و شغل مورد بررسی قرار دهد. به این منظور دو سبک معماری از دو گروه مورد نظر مورد سؤال واقع می‌شود و نتیجه مطالعات حاکی از آن است که تفاوت‌های فرهنگی در ارزیابی محیطی اثر دارد. تفاوت‌های فرهنگی در بین معماران کمتر مؤثر بوده است ولیکن در گروه غیرمعمار این تفاوت‌ها بیشتر نمایان می‌باشد. در نهایت بین دو گروه تفاوت‌هایی از جهت ارزیابی دو سبک معماری مشاهده می‌شود.

در تحقیق دیگری که دولین و ناسار (۱۹۸۹) انجام دادند تفاوت‌های دو گروه معمار و غیرمعمار از جهت مقایسه و ارزیابی ساختمان‌های مردمی و نوآورانه مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج حاکی از آن است که معماران نوآوری را ترجیح می‌دهند درحالی‌که غیرمعماران ساختمان‌های مردمی را معنادارتر و مطلوب‌تر ارزیابی می‌نمایند.

پارسل و ناسار (۱۹۹۵) نیز در یک مطالعه موردی، تفاوت‌های موجود بین معماران و غیرمعماران را از جهت تجارب محیطی در دو گروه دانشجوی مورد بررسی قرار دادند. آنها در ضمن برای شناسایی اثرات آموزش معماری، گروه معماران را طی دو نوبت یعنی در ترم اول ورود به دانشگاه و در سال آخر مورد پرسش قرار دادند. در این تحقیق نیز ساختمان‌های نوآورانه و مردمی مورد مطالعه قرار گرفته و به مقایسه گذاشته شده است. معماران سبک‌های نوآورانه را ترجیح داده‌اند درحالی‌که گروه دیگر به بناهای مردمی بیشتر علاقه نشان داده‌اند. اثرات آموزش معماری، که در مقایسه پاسخ‌های دانشجویان در پایان سال سوم جستجو شده است، حاکی از آن است که ساختمان‌های نوآورانه، پس از طی آموزش، بیشتر مورد علاقه دانشجویان معماری قرار گرفته است.

موضوع دیگری که در ارزیابی محیط کالبدی مورد نظر است بحث زیبایی است. ایزومی (۱۹۶۵) عقیده دارد که «معماران باید بدانند که بعضی از ادراکات زیبایی آنان برای دیگران قابل حس نیست ... قرار گرفتن در معرض هنر معماری اکثراً تحمیلی است و از هنر معماری، در قیاس با سایر هنرها، نمی‌توان دوری نمود». مطالعات هرشبرگر (۱۹۶۹) حاکی از تفاوت ادراک زیبایی نزد معماران و مردم عادی است. هنر معماران، دوره‌هایی طولانی در معرض دید مردم قرار می‌گیرد و بنابراین نسبت به سایر هنرها اهمیت بالاتری دارد. تفاوت زیبایی‌شناسانه بین مردم و معماران می‌تواند مشکلاتی را در این راستا ایجاد نماید. تحقیقات فراوان در این زمینه حاکی از تفاوت دیدگاه بین طراحان و مردم است. (مثلاً دولین ۱۹۹۰، دافی و همکاران ۱۹۸۶، هرشبرگر ۱۹۶۹، ناسار ۱۹۸۹، ناسار و همکاران ۱۹۹۰، استمپز ۱۹۹۱، ویشر و همکاران ۱۹۸۶) بنابراین چنانچه معماران و طراحان محیط مایلند محیط‌هایی را بیافرینند که مورد پسند مردم باشد، باید با شیوه ادراک و ارزشهای بصری مردم آشنا باشند.

بعضی از نظریه‌پردازان طراحی محیط، سبک معماری و نوع ساختمان را از عوامل مهم در ادراک زیبایی تلقی نموده‌اند. (دولین ۱۹۸۹، پارسل و همکاران ۱۹۹۲) مطالعاتی که گنفورد و همکاران (۲۰۰۲) انجام داده‌اند نیز حاکی از وجود تفاوت‌هایی میان معماران و مردم عادی در ارزیابی ساختمان‌ها به‌عنوان امری «زیبا» است.

کسانی که آموزش معماری و طراحی محیط را طی نکرده‌اند غالباً در ارزیابی عناصر کالبدی محیط، پاسخ‌های احساسی و تشریحی می‌دهند درحالی‌که معماران، بیشتر ایده‌ها و مفاهیم درونی فرمهای کالبدی را مورد بحث قرار می‌دهند. (دولین و کیمبرلی ۱۹۹۵).

به‌همین منظور در تحقیقی که پیرامون نحوه ارزیابی مردم عادی از منظر شهری، تجاری، مسکونی و اداری در شهر توکیو به‌عمل آمده است به منظور قابل درک‌بودن سؤالات، کلیه خصوصیات و فاکتورهای مطرح شده براساس احساسات مردم و نحوه استفاده از فضاها شکل گرفته است. سرزندگی، آرامش، مرتب و منظم بودن، سهولت حرکت و نظایر آن صفاتی است که به این فضاها اطلاق شده و فرم فضا و مفاهیم فرمال و شکلی آن مورد سؤال قرار نگرفته است.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که زمینه اجتماعی فرهنگی مردم در ادراک آنان از معانی محیطی اثر دارد. به نظر می‌رسد که اعضای گروه‌های اجتماعی مشابه ارزیابیهای یکسانی نسبت به محیط پیرامون خود خواهند داشت. به‌طور کلی مهم‌ترین عوامل در تفاوت‌های ادراک محیط عبارت است از: تجربه، فرهنگ، طبقه اجتماعی و حرفه اشخاص.

اهمیت بررسی نظرات مردم در کشور ما

مطالعاتی که تاکنون در زمینه مقایسه نحوه برخورد و ارزیابی محیط میان گروه‌های مختلف اجتماعی

و به خصوص طراحان محیطی و مردم عادی صورت گرفته، اکثراً در کشورهای غربی انجام پذیرفته است و در کشور ما تاکنون در این زمینه بررسی‌های لازم صورت نگرفته است. از آنجایی که فضاهای شهری به صورت روزانه و مداوم مورد استفاده عموم مردم قرار می‌گیرد شرایط مطلوب و یا نامطلوب آن می‌تواند اثرات فراوان روانی به دنبال داشته باشد. گذشته از آن، با توجه به رونق گرفتن طراحی و باززنده‌سازی فضاهای شهری در ایران، که در پروژه‌های احیای بافت‌های فرسوده شهری شاهد آن هستیم، و همچنین توسعه سریع مناطق جدید شهری در گوشه و کنار این سرزمین، لزوم شناسایی عقاید و ایده‌های مردم به‌عنوان استفاده‌کنندگان اصلی فضاهای شهری اهمیت بالایی خواهد داشت. لذا تحقیق حاضر به‌عنوان یک گام اولیه در این راه می‌تواند مفید واقع شود.

هویت شهری و اهمیت آن در برنامه‌ریزی و طراحی شهری

یکی از مباحث مهم و کلیدی طراحی محیط در زمان حاضر که ارتباط تنگاتنگی با درک معانی محیط دارد، توجه به هویت در بافتها و محلات شهری است. هویت شهری از مباحث پرچنگال در ادبیات شهرسازی است و بسیاری از نظریه‌پردازان معتقدند که هویت شهرها و فضاهای شهری بسیار تضعیف شده است و یا اینکه در اصل بی‌هویتی است که هویت فضاهای شهری ساخته شده در عصر حاضر را تشکیل می‌دهد.

در تعریف هویت به‌طور عام غالباً با دو موضوع متقابل برخورد داریم. هویت از یک سو منحصر به فرد بودن و خاص بودن را بیان می‌کند و از سوی دیگر در بیان مشابهت‌های بین گروهی به‌کار می‌رود. اولی شرایطی است که یک عنصر به دلیل خاص بودن، تک بودن و چیز دیگری نبودن کسب می‌کند. قابل تشخیص بودن و متمایز بودن از خصوصیات یک عنصر با هویت است.

دومی به وجوه تشابهی که در اجزای یک گروه وجود دارد، اشاره می‌نماید. چنانچه به دنیا به صورت مجموعه‌ای از گروه‌های قابل درک نگریسته شود، آنچه این گروه‌ها را نسبت به هم متمایز و قابل تشخیص می‌سازد وجوه تمایز آنان و در واقع خاص بودن گروه‌ها و منحصر به فرد بودن آنان است و همین امر است که به نوعی بیانگر هویت آن گروه می‌باشد.

از سوی دیگر آنچه اجزای یک مجموعه را به صورت یک گروه واحد گرد می‌آورد، وجوه تشابه آن اجزا است. این وجوه تشابه، هویت مشترک بین اعضای گروه را شکل می‌دهد. اشنایدر (۱۹۸۶) هویت محلات شهری را با واژه‌های «شباهت درونی محلات» در کنار «تفاوت‌های میان محله‌ها» بیان می‌نماید. او کونر (۱۹۹۶) هویت محیط‌های شهری را «شهر غیرقابل رؤیت» می‌نامد و آن کیفیتی است که در یک منطقه شهری و یا یک فضای شهری، خصوصیات متمایز و متفاوتی را نسبت به سایر فضاها قابل درک می‌سازد.

براساس مطالب فوق توجه به هویت محلات و مناطق شهری امروزه از اهمیت فراوانی در طراحی شهری برخوردار است. شناسایی میزان ادراک مردم از هویت محلات شهری و بررسی نظرات آنان در مورد ارزش هویت شهری می‌تواند در طراحی فضاهای شهری مورد استفاده قرار گیرد. در کنار ارزیابی نظرات مردم به‌عنوان استفاده‌کنندگان فضا، بررسی رویکرد طراحان محیط در این زمینه و میزان ارزشگذاری آنان نسبت به این مسئله نیز بسیار مهم است. از این جهت هدف اصلی تحقیق حاضر عبارت گردید از مقایسه نظرات و ترجیحات این دو گروه در زمینه هویت محلات شهری.

موضوع مطالعه میدانی

برخلاف نمونه‌های ذکر شده از سایر کشورها، که بناهای معاصر را مورد تحلیل قرار داده‌اند و جنبه

معماری و سبکهای آن مورد نظر بوده است، در این تحقیق یک ناحیه شهری به عنوان زمینه مورد بحث انتخاب شده، شناسایی عناصر هویت بخش و شاخص این ناحیه مورد مطالعه قرار گرفته است تا از این طریق کوشش گردد به چند سؤال زیر پاسخ گفته شود:

- ۱- آیا تقویت هویت محلی در محلات شهری از دیدگاه عموم مردم و متخصصان یکسان ارزشگذاری می شود و آیا این امر از سوی هر یک از آنان مورد استقبال قرار می گیرد یا خیر؟
- ۲- آیا عوامل هویت بخش محلی از دیدگاه مردم و متخصصان یکسان است یا خیر؟
- ۳- آیا نظر مردم و متخصصان در مورد شیوه های طراحی شهری که بتواند در تقویت هویت محلی مؤثر باشد یکسان است؟

به منظور یافتن پاسخ سؤالات فوق، ناحیه شمیران در شمال شهر تهران انتخاب شد. این ناحیه عمدتاً دارای خصوصیات جغرافیایی و طبیعی متفاوت با تهران بوده و در بعضی از نقاط آن نیز هنوز آثاری از معماری بومی و بافت روستایی برجای مانده است. به منظور انجام مطالعات میدانی دو پرسشنامه جداگانه، اولی برای نظرخواهی از متخصصان شامل معماران و شهرسازان و دومی برای پرسش از مردم طراحی شد. پرسشنامه ها با استفاده از سؤالات مشخص و تعیین شده به صورت مصاحبه رو در رو با گروه های مورد نظر تکمیل گردید. به پرسشنامه اول ۳۸ نفر شامل ۲۱ معمار و ۱۷ متخصص شهرسازی (که اکثراً اعضای هیئت علمی دانشگاه در رشته های فوق بودند) پاسخ گفتند و پرسشنامه دوم را ۱۰۰ نفر از مردم در اماکن مختلف منطقه شمیران تکمیل کردند.



نمونه هایی از ساختمان های قدیمی در شمیران

طی جمع آوری اطلاعات تلاش شد که پاسخگویان به پرسشنامه دوم از بخش های مختلف این منطقه انتخاب شده و مورد پرسش قرار بگیرند و همچنین گروه های سنی مختلفی را نیز شامل شوند. لازم به ذکر است که به دلیل خصوصیات جمعیتی امروز ایران، یعنی بالا بودن نسبت جمعیت جوان، و همچنین به علت نقش مهم رده سنی ۲۰ تا ۴۰ سال و حضور فعال آنان در فضاهای شهری، بخش عمده ای از پاسخ دهندگان از این گروه سنی بوده و تحصیلات دیپلم به بالا دارند.

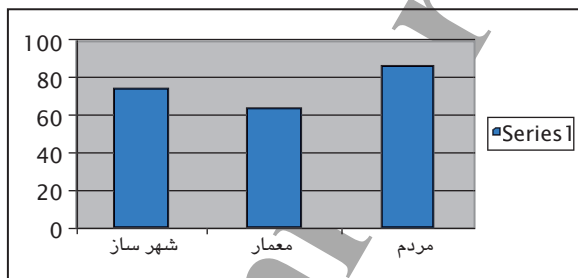
تحلیل داده ها

پاسخ های جمع آوری شده پس از کدگذاری و دسته بندی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت تا از این طریق مشخص گردد آیا تفاوتی در دیدگاه مردم و متخصصان در زمینه پاسخ به سؤالات مورد نظر وجود دارد یا خیر. و علاوه بر آن نظرات مختلف در مورد شیوه های تقویت هویت محلی در منطقه مورد شناسایی قرار گیرد.

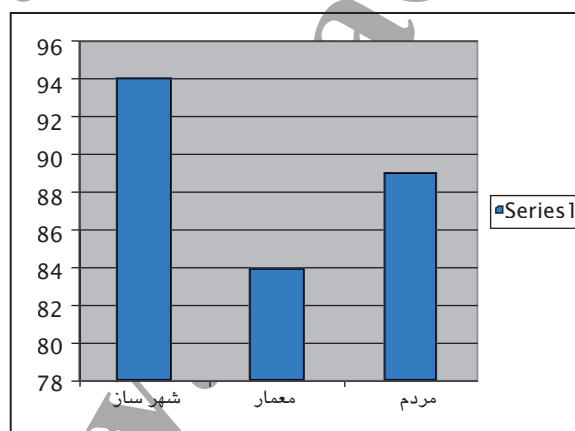
در پرسشنامه‌های سری اول (متخصصان) سؤالات به‌صورتی طراحی شده بود که در ابتدا ارزیابی پاسخ‌دهنده از وجود هویت قابل تشخیص و متمایز منطقه مورد نظر، بررسی گردد. به دنبال آن عوامل اصلی در هویت‌بخشی این ناحیه مورد سؤال و شناسایی واقع شده و سپس با عطف توجه بیشتر به جنبه‌های کالبدی محیط، نقش معماری بومی در تقویت هویت محلی مورد ارزیابی قرار گیرد. در انتها نیز، بیست تصویر از ساختمان‌های جدیدالاحداث در این منطقه به هر یک از پاسخگویان ارائه گردیده و از آنان خواسته می‌شد که تصاویر را به صورتی مرتب نمایند که بهترین بناهای ساخته شده جدا و مشخص گردد؛ یعنی آن بناهایی که می‌تواند به‌عنوان الگو و به منظور تقویت هویت محلی ملاک عمل قرار گیرد.

در مورد موضوع اول این پیش فرض وجود داشت که امروزه با توسعه ساخت‌وسازهای جدید در منطقه و به‌خاطر نبود قوانین مشخص به منظور کنترل طراحی در محلات، ممکن است هویت متمایز محلی از نظر پاسخ‌دهندگان به‌وضوح قابل تشخیص نباشد. نتایج پرسشنامه حاکی از درک هویت محلی متمایز در این منطقه است. در مجموع ۸۹ درصد از پاسخ‌دهندگان هویت متمایزی را در این بخش از شهر تشخیص داده‌اند.

نتایج پرسشنامه‌ها نشان داد که حضور عناصر طبیعی در تمایز این منطقه با سایر مناطق تهران، نقش اصلی و عمده را دارا می‌باشد. وجود درختان، به‌خصوص درخت چنار، و سرسبزی این ناحیه و بیش از آن وجود منظر کوهستان و شیب زمین، بیشتر از خصوصیات کالبدی و معماری از عناصر هویت‌بخش این ناحیه شمرده می‌شدند. ۷۳٪ معماران و ۱۰۰٪ شهروندان بر نقش دورنمای کوه و توپوگرافی خاص این ناحیه به همراه حضور باغهای قدیمی در شکل‌گیری هویت این محل تأکید کردند. لازم به ذکر است که



نظر موافق در مورد اقتباس از معماری بومی و محلی در جهت تقویت هویت شمیران



وجود هویت متمایز و قابل تشخیص در منطقه شمیران

پاسخ‌دهندگان در اکثر موارد، تضعیف هویت بارز و قابل درک این منطقه را که با بی‌توجهی مسئولان و دست‌اندرکاران شهری در حال افزایش است، مورد نکوهش قرار می‌دادند و تأسف خود را نسبت به این امر ابراز می‌داشتند.

به‌منظور بررسی وجوه کالبدی این مسئله، نقش ساختمان‌های بومی و قدیمی و حضور شبکه ارتباطی ارگانیک در خلق هویت متمایز این ناحیه نیز مورد پرسش قرار گرفت. نتایج حاصل از جمع‌بندی پاسخ‌ها نشان می‌دهد که حدود ۴۲٪ معماران و ۵۲٪ شهروندان تأثیر ساختمان‌ها و الگوی

غالب شبکه ارتباطی را در این زمینه قابل توجه می‌دانستند.

در پاسخ به سؤالاتی که روشهای تقویت هویت این منطقه را جستجو می‌نمود ۶۳٪ معماران استفاده از خصوصیات معماری بومی را در طراحی نماهای شهری به‌عنوان گامی در راستای تقویت هویت محل مؤثر می‌دانند. این امر را ۷۶٪ شهرسازان نیز مورد تأیید قرار دادند.

در معرفی مکانهای دارای هویت اکثراً بافتهای قدیمی شمیران یا تک‌بناهای قدیمی و خاص مورد نظر قرار گرفته، این در حالی است که بعضی از نقاط شهری که از جهت طبیعی دارای شخصیت بارز و متمایز هستند نیز مورد توجه بوده است. ۴۲٪ معماران و ۵۲٪ شهرسازان، بناهای امامزاده‌ها و دربند را به‌عنوان مکانهای هویت‌بخش ناحیه معرفی کرده‌اند.

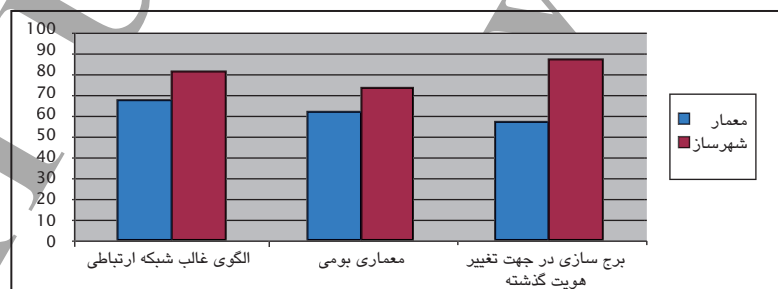
برج‌سازی و ایجاد ساختمان‌های بلند، به شدت مغایر با هویت بومی و تاریخی این محل شناخته شده و عامل اصلی در تغییر هویت به حساب می‌آید که اکثراً گروه متخصصان آن‌را مورد مخالفت و نکوهش قرار داده‌اند. در کنار آن، از بین رفتن طبیعت و پوشش گیاهی و درختان محلی نیز از عوامل اصلی تغییر هویت محل محسوب می‌گردد و ادامه آن باعث از دست رفتن کامل هویت گذشته محلی شمرده می‌شود.

نتایج حاصل از رده‌بندی عکسهای بناهای جدید، به‌صورتی که بتواند به‌عنوان الگو در تقویت هویت محلی به‌کار گرفته شود، بر این امر دلالت داشت که ساختمان‌هایی که از خصوصیات بناهای بومی بهره برده بودند و یا در زمینه‌های سرسبز و پر درخت قرار داشتند، بیشتر مورد توجه قرار گرفتند.

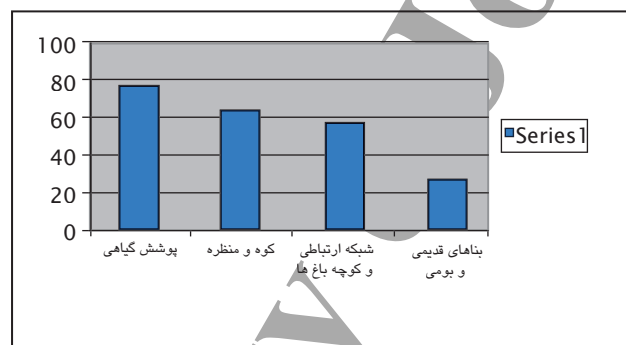
رده‌بندی عکسها حاکی از اهمیت فراوان استفاده از سبک معماری بومی در تقویت هویت محلی در این ناحیه است. جمع‌بندی کلی پرسشنامه‌های متخصصان نشان می‌دهد که اولاً این گروه از جامعه، هویت متمایزی را در ناحیه شمیران نسبت به سایر نقاط تهران شاهد هستند (۸۴٪ معماران و ۹۴٪ شهرسازان) ولیکن همگی متفقاً اذعان دارند که این هویت متمایز در حال تغییر است و عناصر تشکیل‌دهنده آن در حال تحول می‌باشد. پاسخ‌دهندگان عناصر اصلی هویت‌بخش منطقه را در درجه اول خصوصیات طبیعی منطقه می‌دانند و عمدتاً نقش کوه و شیب و پس از آن گیاهان و درختان را مهم می‌شمارند.

ابعاد کالبدی محیط نیز مورد نظر می‌باشد. ۶۹٪ معماران و ۸۲٪ شهرسازان در درجه اول کوچه باغها و شبکه ارتباطی ارگانیک موجود و پس از آن ساختمان‌های قدیمی منطقه را یادآور خاطرات گذشته این محل می‌دانند. اقتباس از عناصر معماری بومی به منظور تقویت هویت در این منطقه را ۶۳٪ معماران و ۷۶٪ شهرسازان مورد تأکید قرار داده‌اند. ۸۸٪ شهرسازان و ۵۸٪ معماران برج‌سازی‌های بی‌رویه در این منطقه را، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین علل تغییر هویت منطقه بیان نموده و مورد نکوهش قرار داده‌اند.

عوامل تقویت‌کننده و کاهش‌دهنده هویت محلی در منطقه شمیران



در پرسشنامه‌های دوم پس از سؤالاتی که در مورد مشخصات فردی پاسخ دهنده بود، ابتدا نظر فرد در مورد خصوصیات به‌یاد ماندنی منطقه شمیران پرسش شده است. ۷۸٫۵٪ افراد به سرسبزی محیط اشاره کرده‌اند و ۶۳٪ نقش کوه و منظره کوهستان را با اهمیت دانسته‌اند که این مسئله معرف اهمیت فراوان خصوصیات طبیعی در این منطقه از شهر تهران است. مشخصات کوچک باغها و شبکه ارتباطی پس از جهات طبیعی دارای اهمیت است و ۵۸٪ پاسخ‌دهندگان آن‌را در درجه اول یا دوم اهمیت قرار داده‌اند. این در حالی است که ۲۷٪ افراد ساختمان‌های قدیمی و بومی را به‌عنوان عناصر اصلی معرف این منطقه مورد اشاره قرار داده‌اند.



از میان پاسخ‌دهندگان ۸۹٪ به وجود کاراکتر خاص و قابل‌تمییز در این منطقه اشاره کرده‌اند. تقویت هویت و اقتباس از معماری قدیمی و بومی در هنگام احیای مراکز شهری در این منطقه را نیز ۸۶٪ پاسخ‌دهندگان مورد تأکید قرار داده‌اند. از میان تصاویر ارائه شده به پاسخ‌دهندگان، آنهایی که معرف معماری قدیمی و بومی منطقه بود در تقویت هویت منطقه مؤثرتر ارزیابی گردید.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

مقایسه پاسخ‌های متخصصان و مدرسان رشته‌های معماری و شهرسازی با نظرات مردم حاکی از شباهت فراوان و همسویی این دو گروه در ارزیابی هویت منطقه شمیران است. در مورد سه سؤال اصلی مورد نظر، تشابهات زیادی بین پاسخ‌های متخصصان و مردم مشاهده گردید. از جمله در جمع‌بندی پاسخ‌های مربوط به سؤال اول نتایج زیر حاصل شد:

در هر دو گروه ۸۹٪ پاسخ‌دهندگان به وجود هویت قابل تمییز در منطقه اشاره کرده‌اند. طبیعت و عناصر طبیعی شمیران مهم‌ترین عامل در شکل‌گیری هویت منطقه شمرده می‌شود. از نظر مردم، فضای سبز در این راستا اهمیت بیشتری دارد که این مسئله را ۷۸٫۵٪ پاسخ‌دهندگان بیان کردند. پس از آن توپولوژی این ناحیه و وجود کوه دارای اهمیت شمرده شده است که ۶۳٪ افراد این مسئله را مورد تأکید قرار داده‌اند.

نتایج حاصل از جمع‌بندی پاسخ‌های متخصصان نیز حاکی از آن است که ۱۰۰٪ شهرسازان و ۷۳٪ معماران طبیعت منطقه را عامل اصلی وجود هویت مستقل آن می‌شناسند.

در مورد راههای تقویت هویت محلی در هر دو گروه پاسخ‌دهندگان، استفاده از عناصر معماری بومی از اهمیت زیادی برخوردار است. ۶۳٪ معماران و ۷۶٪ شهرسازان استفاده از خصوصیات

معماری و شهرسازی بومی منطقه را در تقویت هویت محل مؤثر دانستند؛ اگرچه این عناصر، در مقایسه با خصوصیات اقلیمی و طبیعی منطقه، نقش کمتری را در هویت‌بخشی به منطقه ایفا می‌کند. در جمع‌بندی پاسخ‌های ارائه شده به پرسشنامه مردم، نتایج حاصل از دو سؤال در رابطه با این موضوع قرار می‌گیرد. سؤال اول پرسشی است که شیوه بازسازی میدان تجریش را مورد سنجش قرار می‌دهد که ۷۷.۳٪ روش منطبق بر معماری و شهرسازی سنتی را ترجیح داده‌اند. سؤال دوم در مورد انتخاب تصاویری است که با هویت شمیران انطباق بیشتری دارد. در این مورد نیز نتایج حاکی از آن است که مردم ساختمان‌هایی را که با الهام از عناصر معماری بومی بنا شده‌اند در تقویت هویت مؤثر می‌شناسند و جمعاً ۷۴٪ پاسخ‌ها نمایانگر این مسئله بوده است.



مقایسه نتایج دو پرسشنامه نشان می‌دهد که نظرات مردم به‌عنوان استفاده‌کنندگان فضای شهری با نظر طراحان و برنامه‌ریزان شهری همخوانی بسیاری دارد. این در حالی است که تحقیقات انجام گرفته در سایر کشورها و به خصوص در مغرب‌زمین، تفاوت نظر بین مردم عادی و طراحان محیطی را منعکس می‌نمود.

تفاوت عمده‌ای که بین تحقیق حاضر و پژوهش‌های مشابه در سایر کشورها وجود دارد این است که در مقایسه‌های انجام شده در سایر کشورها، بناهای جدید و یا سبک‌های نوری معماری مورد سؤال قرار گرفته‌اند و معانی محیطی آنها و یا زیبایی آن ساختمان‌ها مورد بررسی و ارزیابی واقع شده است. به نظر می‌رسد که به دلیل عدم آشنایی مردم با شیوه‌های نوین معماری، که اکثراً محصول آموزش طراحان است، غالباً معانی محیطی به راحتی برای مردم عادی ادراک نمی‌گردد. به عبارت دیگر، طراحان محیط سعی در معناگذاری از طریق نمادها و یا سبک‌های معماری جدید داشته‌اند ولیکن مردم به

نمونه‌هایی از بناهای جدید که با الهام از معماری محل شکل گرفته است

دلیل آشنا نبودن با کدها و نشانه‌ها، به راحتی توانایی معناگشایی را ندارند و به همین جهت، معنای محیطی و یا عناصر زیبایی آن‌طوریکه مورد نظر طراح است منتقل نشده و ارزیابی نمی‌گردد و سنجش محیط به شکل یکسان و همخوان بین مردم عادی و طراحان محیط صورت نمی‌گیرد.

در تحقیق حاضر، هویت یک منطقه شهری مورد سؤال است. از آنجایی که هویت محل غالباً زاینده خصوصیات فرهنگی، بومی، اقلیمی و تاریخی آن است و در طول زمان شکل می‌گیرد، تدریجاً معانی محیط و ارزشهای زیباشناسانه آن در اذهان نقش می‌بندد. چنانچه بعضی از عناصر محیط نقش مثبتی را در هویت‌بخشی دارا باشد به افزایش حس تعلق اهالی کمک می‌کند. به این طریق هویت یک ناحیه شهری به مرور برای مردم ملموس خواهد شد و عناصر دخیل در شکل‌گیری آن قابل ردیابی

خواهد بود.

از سوی دیگر چنانچه خصوصیات یک ناحیه در تمایز و تشخیص آن مؤثر بوده و کیفیت محیطی را نیز افزایش دهد، ارزیابی مثبتی را از نظر گروه معماران و شهرسازان در پی خواهد داشت. نتیجتاً نواحی دارای هویت با ارزش تلقی می‌شوند. بر این اساس انتظار می‌رود در چنین شرایطی نتایج حاصل از مقایسه نظرات مردم و متخصصان تشابهی را از جهت ادراک هویت و ارزش گذاری آن نمایان سازد.

جمع‌بندی نتایج حاصل از پرسشنامه‌ها نیز حاکی از وجود چنین تشابهی در این زمینه است. اطلاع و آگاهی از چنین مواردی می‌تواند در تعیین رویکرد برنامه‌ریزی و طراحی محلات بسیار مؤثر بوده و به ایجاد فضاهای شهری مورد علاقه و دلنشین برای مردم یاری بخشد.

توضیح

در مقاله حاضر از اطلاعات طرح پژوهشی نگارنده، که در دانشگاه هنر در حال انجام است، استفاده شده است.

فهرست منابع

- Broadbent, G. (1977), *A plain man's guide to the theory of signs in architecture*, Architectural Design, 7, pp 474-482.
- Canter, D. (1991), *Understanding, assessing and acting in place: is an integrative framework possible?* In T. Garling and G. W. Evans (Eds) Environment, Cognition and Action, New York, Oxford University Press.
- Devlin, K. (1990) *An examination of architectural interpretation: architects versus non architects*, The Journal of Architectural and Planning Research, 7:3, Autumn.
- Devlin, K. and Nasar, J. L. (1989) *The beauty and the beast: some preliminary comparisons of (high) versus (popular) residential architecture and public versus architect judgments of same*, Journal of Environmental Psychology, 9, pp 330-334
- Duffy, M. et al (1986), *Preferences in nursing home design: A comparison of residents, administrators and designers*, Environment and Behaviour, 18 pp 246-257.
- Espe, H. (1981), *Differences in the perception of national socialist and classicist architecture*, Journal of Environmental Psychology, 1, pp 33-42.
- Gifford, R. et al (2002), *Why architects and laypersons judge buildings differently: Cognitive properties and physical bases*, Journal of Architectural and Planning Research, 19(2), Summer
- Groat, L. (1982), *Meaning in post modern architecture: An examination using multiple*

- sorting task*. Journal of Environmental Psychology, 2, pp 3–22.
- Hershberger, R. (1988) *A study of meaning and architecture*. In J. Nasar (Ed), Environmental Aesthetics. Cambridge University Press.
 - Hubbard, P. J. (1992), *Environment – behaviour research and city design: A new agenda for research?* Journal of Environmental Psychology, 12(3), pp 269–273.
 - Isumi, K. (1965), *Psycho social phenomena and building design*, Building Research, 2(9)–11.
 - Jencks, C. (1969), *Semiology and Architecture*. In C. Jencks and G. Baird (Eds) Meaning in Architecture. London, Barrie and Rockliff: Crescent Press.
 - Nasar, J. L. (1989), *Symbolic meanings of house style*, Environment and Behaviour. 21 pp 235–257.
 - Nasar, J. L.; Purcell, T. (1990), *Beauty and the beast extended: knowledge structure and evaluation of houses by Australian architects and non-architects*. In H. Pamir et al (Eds), Culture, Space, History, Ankara, Turkey: Sevki Vanh Foundation.
 - Parcell, A.T. and Nasar, J. L. (1992), *Experiencing other people's houses: A model of similarities and differences in environmental experience*. In L. Groat (Ed) Giving places meaning: Reading in environmental psychology, London, Academic Press.
 - Pennartz, P. J. J. (1989), *Semiotic theory and environmental evaluation – a proposal for a new approach*, Symbolic Interaction 12:2 pp 231–250
 - Rapoport, A. (1982), *The meaning of the built environment*, Beverly Hills, CA: Sage.
 - Stamps, A.E. (1991), *Comparing preferences of neighbours and a neighbourhood design review board*. Environment and Behaviour, 23, pp 618–629.
 - Valadez, J. J. (1984), *Diverging meanings of development among architects and three other professional groups*, Journal of Environmental Psychology, 4, pp 223–228.
 - Vischer, J. C. et al (1986), *Evaluating evaluation: Analysis of a housing design awards programme*, Places, 3, pp 66–86.